

زیر و زبر شدن فرهنگ و تمدن ایرانی

هجوم تاتار که در اوایل قرن هفتم هجری زندگی و تمدن سر- زمین ما را زیر و زبر کرد، یکی از هولناک ترین پیشامدهای تاریخ وطن ماست.

در این بلای صعب و سهمگین، درخت کهن فرهنگ ایرانی - که پیش از آن نیز بارها از توفانهای عظیم آسیب دیده بود - به یکباره از جا برکنده شد و شاخه‌های برومندش چنان خمید که دیگر نتوانست سر برافرازد.

«علاءالدین عطا ملک جوینی» (۶۲۳-۶۸۱ ه.ق.)

یکی از نویسندگان بنام دوران تاخت و تاز مغولانست که «تاریخ جهانگشای» یادگار او، تا به امروز در دست ما بجا مانده.

این نویسنده، با آن که خود در دستگاه «ارغون» و «هولاکو» - امیران مغول - میزیسته و دیدار و کار گزار ایشان بوده و تاریخ خود را نیز در شرح کشورگشایی فرمانروایان تاتار نوشته اما نتوانسته است واقعیت تلخ و دردناک روزگار خود را نادیده انگارد و به یکباره حقیقت را فروگذارد، از این روست که جابجا قلم نگاهداشته و وسطوری از سردردمندی و سوز دل نگاشته که آئینه تمام نمای زندگی اجتماعی مردم میهن ما در آن روزگار سیاه تواند بود.

آنچه در اینجا خواهد آمد، نمونه‌ای است از این گونه نگارشهای «جوینی» که درین و درد او همه آزاد اندیشان آن دوران را درباره فرهنگ پایمال شده ایرانی بازگو میکند.

... و به سبب تغییر روزگار و تأثیر فلک دوار و گردش گردون دون

تلاف عالم بوقلمون، مدارس درس مندرس و معالم علم منطمس گشته

و طبقه طلبه آن در دست لگد کوب حوادث پایمال زمانه غدار و روزگار
مکار شدند و به صنوف صرف و فتن و محزن گرفتار و در معرض تفرقه و بوار
معرض سیوف آبدار شدند و در حجاب تراب متواری ماندند!

هنرا کنون همه در خاک طلب باید کرد

زانکه اندر دل خاک کند همه با هنران

... کذب و تزویر را و عظ و تذکیر داند، تحرمز (۱) و نیمیت را
صرامت و شہامت نام کنند و زبان و خط «ایغوری» (۲) را فضل و هنر تمام
شناسند. هر يك از ابناء السوق در زی اهل فسوق امیری گشته و هر
مزدوری دستوری و هر مزوری و زیری و هر مدبری و هر مسرفی مشرفی
هر شیطانی نایب دیوانی... و هر شاگرد پایگاهی، خداوند حرمت و
جاهی و هر فریاشی صاحب دورباشی (۳) و هر جافی کافی و هر خسی کسی
و هر خسیسی رئیس و هر غادری قادری و هر دستار بندی بزرگوار
دانشمندی و هر جمالی از کثرت مال باجمالی و هر حمالی از مساعدت
اقبال با فسحت حالی!
... آزاده دلان گوش به مالش دادند

وز حسرت و غم، سینه به نالش دادند

پشت هنر آن روز شکسته است درست

کاین بی هنران پشت به بالش دادند

(۱) مصدر ساختگی به معنی حرامزادگی (۲) زبان و خط ایغوری
(به ضم اول) خاص مردم ایغور از ساکنان نواحی خاور ترکستان بوده و
مغولان هم آنرا آموخته بودند (۳) دور باش نیزه دوسری بود که
پیشاپیش امیران میبردند.

... در چنین زمانی که قحط سال مروت و فتوت باشد و روز بازار
 ضلالت و جهالت، اخیار ممتحن و خوار و اشرار ممکن و در کار، کریم
 فاضل تافته دام محنت و لئیم جاهل یافته کام نعمت، هر آزادی بی زادی و
 هر رادی مردودی و هر نسیبی بی نصیبی و هر حسیبی نه در حسایی و هر
 داهیئی قرین داهیئی و هر محدثی رهین حادثهئی و هر عاقلی اسیر عاقلهئی
 و هر کاملی مبتلا به نازلهئی و هر عزیزی تابع هر ذلیلی به اضطرار و هر
 باتمیزی در دست هر فر و مایه گرفتار!

از: «تاریخ جهانگشای جوینی»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی